

Sl. No. of Ques. Paper : 5262

G

Unique Paper Code : 209351

Name of Paper : Prose & Translation

Name of Course : B.A. (Prog.) Persian Discipline

Semester : III

Duration : 3 hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Unless otherwise required in a question, answers may be written either in English or in Persian or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any two of the following into English or Urdu Or Hindi.

25

از متون زیر دو را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید.

(الف)

اتفاقاً آب دجله تند بود و فتحی بعد از اینکه قدری دست و پا زد و با آب مبارزه کرد فهمید که نمی تواند خود را نجات دهد و اگر بیشتر کوشش کند. خسته می شود و غرق می شود هر قدر هم فریاد زد کسی نشیند. این بود که ناچار با جریان آب همراهی کرد و با همان اندازه شنا که بلد بود سعی کرد به زیر آب فرو نرود و همراه آب برود تا یک جای بتواند خود را به کنار رود خانه برساند و نجات پیدا کند و رفت و رفت تا از نظر گاه مردم دور شد و از شهر خارج شد و بیابان رسید و شب شد و فردا روز شد و همچنان روی آب دست و پا می زد و می رفت.

(ب)

چند دقیقه ای نگذشته بود که ناگهان چشمان به دختری افتاد، که با سر روی آشفته در میان سبزه ها خوابیده بود. طوس و گیو که از دیدن دختر شگفت زده شده بودند، اسب خود را به سوی او حرکت دادند به نزدیکش رفتند. دختر که تا آن زمان در خواب بود، با شنیدن صدای سم اسب دو پهلوان که هر لحظه به او نزدیک تر می شدند. وحشت زده از خواب پرید و چشمان بی رمقش را گشود و هاج و واج به دونگریست، اما قبل از اینکه کلامی بر زبان آورد گیو لب به سخن گشود و پرسید:

دخترم تو کیستی و اینجا چه می کنی؟

(2)

(ج)

اتفاقاً در راه گرفتار دزدهای گردنه بند شدند راهزنان همه دارایی آنها را گرفتند و آنها را با یک پیراهن و زیر جامه‌ها کردند. حالا علاوه با همکاری و همراهی هم‌درد هم شده بودند و چون نمی‌خواستند دست خالی به وطنشان برگردند وارد شهری غریب شدند و قرار گذاشتند که در آنجا کاری پیدا کنند و با صرفه جویی قدری پول پس انداز کنند و بعد از آنکه دوباره سرمایه‌ای پیدا کردند مانند سابق به کارشان بپردازند و با سرو سوغات و جنس و پول پیش خانواده‌شان برگردند.

2. Explain any one of the following into English or Hindi or Urdu.

15

از متون زیر یکی را به زبان انگلیسی یا اردو یا هندی شرح دهید.

(الف)

یک روزی بود و یک روزگاری. متوکل خلیفه معروف عباسی غلامی داشت که اسمش فتحی بود فتحی را از کوچکی همراه اسیران جنگی آورده بودند و فروخته بودند. در آن زمانها اسیران جنگی را به شهرهای دور دست می‌بردند و مانند حیوانات آنها را خرید و فروش می‌کردند و پولدارها برای بندگی و غلامی و کنیزی آنها را می‌خریدند و این غلام و کنیرهای زر خرید که هیچ آزادی و اختیاری نداشتند.

(ب)

می‌گویند نگذار مرا از این جا ببرند، ماساله‌است با تو خو گرفته ایم و تو را دوست داریم. مامونس شهبان و روزهای تنهای تو بودیم، مامخزن آن اسرار و افکار پنهانی هستیم که بادیگران نمی‌گوئی، ما حافظ آن یادگار هائی هستیم که از دوستان قدیم داری بخدا اسباب نو مثل یاران تازه محرم و همراز دل نیستند، بیا از این هوس بگذر، فریب تغییر و تازگی را نخور و یار کهنه را با رونق جوانی عوض نکن که پشیمان و نادان خواهی شد.

3. Rewrite any one of the following into simple persian.

15

از متون زیر یکی را به زبان فارسی ساده باز بنویسید:

(الف)

در نزدیک قهوه‌خانه‌ای که در آن غذایی خوردند و آشنا شده بودند، پیرزنی خانه

(3)

داشت که مردم محل او را به امانت داری و درستکاری می شناختند. پولشان را پیش او امانت گذاشته و شرط کردند که هر وقت خواستند پس بگیرند باید سه نفری باهم باشند و اگر همراه نباشند پول را به هیچ کدام تنها ندهد، صاحب قهوه خانه هم شاهد بود. از قضا روز بعد رفیق اولی هم بیکار شد و یک روز که می خواستند به حمام بروند برای صابون و کیسه و حمامی پولی در بساطشان نداشتند. اولی گفت " برویم از پیر زن قدری پول دستی بگیریم."

(ب)

خلیفه خوشحال شد و خدا را شکر گفت و فوری دستور داد "سفره و غذا بیاورید که غلام هفت روز است گرسنگی کشیده." فتحی گفت: خلیفه به سلامت باشد من از ترس و از بی خوابی خسته و کوفته هستم اما گرسنه نیستم. متوکل گفت: شاید از بس آب خورده ای بیمار شده باشی یا از ترس حواست پریشان شده باشد و گرنه چطور ممکن است بعد از چندین روز گرسنه نباشی؟

فتحی گفت: بله خودم هم تعجب می کردم اما درین هفت روز که آنجا بودم هر روی بر روز آب طبقی می دیدم که در آن ده قرص نان بود و در آنجا که من بودم فشار آب طبق را به کنار رود خانه می آورد.

4. write a summary of any one of the following.

10

یکی از عنوان زیر را خلاصه کنید:

۱. داستان سیاوش

۲. داستان رستم و سهراب

۳. عیدی

5. Translate the following into Persian.

10

جمله های زیر را به فارسی ترجمه کنید:

1. This is my house.

2. Every day I go to the college.

3. This is a beautiful garden.

(4)

4. Yesterday I went to the Iran.
5. My mother is in the kitchen.
6. Where is my pencil?
7. I am a Student of Persian.
8. Where is your room?
9. She is my friend.
10. He is going to the bazaar

☆☆